

# سخن

دوره دوازدهم

نوروز ۱۳۴۰

شماره ۱۴

رای جولی

## داستان کوتاه

### در ادبیات معاصر فارسی

نزدیک به پنجاه سال است که در ادبیات منثور فارسی نوع تازه‌ای به وجود آمده است که آن را «داستان کوتاه» می‌خوانیم. شك نیست که سرمشق نویسندگان ایرانی در این نوع ادبی جدید آثار نویسندگان اروپائی بوده است. اما نباید گمان برد که «داستان کوتاه» در ادبیات معاصر ما تنها از روی تقلید پیدا شده و هیچ علت دیگری برای ظهور و رواج آن در میان نبوده است.

با سواد شدن گروه بیشتری از افراد جامعه در نیم قرن اخیر ادبیات فارسی را از انحصار و اختصاص به طبقه برگزیده و افراد معدود آن بیرون آورد و در دسترس همه بیشتری گذاشت. علت بسیاری از تحولاتی که در انواع مختلف ادبیات فارسی روی داده است، و همچنین پیدا شدن انواع تازه را باید در همین تغییر مهم وضع اجتماعی جستجو کرد.

انتشار روزنامه و مجله که خود طبعاً یکی از نتایج همان امر نخستین بود به رواج داستان کوتاه، یعنی سرگذشت یا قصه‌ای که بتوان آن را در يك یا چند شماره به پایان رسانید كمك كرد.

شاید سبب آنکه داستان کوتاه بسیار بیش از رمانهای بزرگ و مفصل در ادبیات معاصر ما مورد توجه نویسندگان شده است نیز امری اجتماعی باشد. هنوز شماره خوانندگان فارسی زبان آن قدر فراوان نیست که کار نویسندگی را به صورت فعالیت اقتصادی فرد در آورد، یعنی عملی که از سود و بهره آن تأمین معاش نویسنده میسر باشد. در چنین وضعی نویسنده ناچار باید شغل دیگری را برای تحصیل معیشت بپذیرد و کار نویسندگی را در اوقات فراغت، تنها از روی تفنن، یعنی بدون چشم داشت بهره مادی انجام بدهد. پیداست که در چنین وضعی نویسنده مجال آنرا ندارد که به کاری پردامنه دست بزند. نوشتن رمان های بزرگ مستلزم آن است که ذهن هنرمند در مدتی دراز بتواند به امر واحدی معطوف شود، یعنی فعالیت ذهن او نوالی و استمرار داشته باشد. این حال با مشغله های متعدد و مختلف دیگر البته میسر نیست. پس ناچار نویسنده به نوعی از ادبیات متمایل می شود که با فرستهای کوتاه و منقطع او متناسب باشد. غرض این نیست که بگوئیم یگانه علت رواج داستانهای کوتاه در مقابل رمانهای مفصل همین امر بوده است. اما در هر حال تأثیر این وضع اجتماعی را نمی توان نادیده گرفت. علت رواج داستان کوتاه هر چه باشد اکنون در نشر فارسی رایج ترین نوع ادبی همین است و در این رشته است که ادبیات معاصر ما نمایندگان برجسته‌ای دارد. اما با این حال هنوز معیار و مقیاسی برای نقد داستان کوتاه وجود ندارد. در ادبیات قدیم ما، برای انواع مختلف ادبی که وجود داشت، موازینی بود. غزل و قصیده و مثنوی رزمی و بزمی و عرفانی هر يك در طی هزار سال مراحل از کمال پیموده و میزان و مقیاسی یافته است که از روی آن توان آثار مزبور را سنجید و نیک و بد هر يك را باز نمود. در باره انواع جدید ادبی چنین میزانی نیست و این معنی را از روی عقایدی که گاهی جسته جسته در روزنامه‌ها و مجله‌ها منتشر می شود می توان دریافت.

نامه‌هایی که گاهی بعضی از خوانندگان سخن به دفتر مجله می فرستند نیز خود نماینده این پراکنندگی آراء و موذن مبنای ثابت و سریعی برای نقد انواع ادبی جدید است: یکی نسبت به داستانی چنین اظهار نظر کند که فایده اجتماعی ندارد. دیگری

معرض است که اشخاص فلان داستان بد بین و نومید معرفی شده‌اند و بیم آن است که خوانندگان از ایشان سرمشق بگیرند و به این صفات متمایل شوند .  
 همین دیروز بود که یکی از پزشکان به دفتر مجله تلفن می‌کرد و از تأثیرات وخیمی که به گمان او مطالعه کتاب «بوف کور» صادق هدایت در روحیه جوانان باقی گذاشته است نگرانی بسیار نشان می‌داد . این پزشک می‌پنداشت که «بوف کور» کتاب درسی است و به فسد تهذیب اخلاق جوانان نوشته شده است . اگر راستی چنین باشد ، یعنی در ادبیات هدفی جز آموختن اصول متداول اخلاق در نظر نگیریم ، باید کتاب «اخلاق مصور» را که سی‌چهل سال پیش از این برای بچه‌های مدرسه نوشته بودند شاهکار ادبیات جهان بخوانیم .

دیگری از نویسندگان داستان کوتاه توقع دارد که حادثه غیر منتظر و هیجان آوری را برای او نقل کند . بارها این ایراد را از زبان قلم‌خوانندگان شنیده‌ایم که «این داستان مطلبی نداشت» یا «این که داستان نبود» . اگر هدف نویسنده در این نوع ادبی جز بیان داستان شنیدنی و تعجب‌انگیز چیزی نباشد باید گفت که خبرنگاران وقایع و حوادث زیر دست ترین نویسندگانند .  
 گروه دیگری نیز هستند که می‌خواهند نویسنده بیانی شیوا و لطیف داشته‌باشد و داستان را به شیوه‌ای خاص و بی‌مانند بی‌رواند و این نکته را بر هر امر دیگری مقدم می‌شمارند .

در باره اصول و قواعد نوشتن داستان کوتاه آنچه محققان و ناقدان کشورهای اروپا و آمریکا نوشته‌اند ممکن است برای ما سودمند باشد و شاید در شماره‌های آینده مجال چنین بحثی پیدا شود . اما بیشک لازمتر و مهمتر از آن اینست که ببینیم خوانندگان ایرانی، خاصه کسانی که خود با نوشتن سروکار دارند در جامعه امروزی ما از نویسندگان داستان کوتاه چه می‌خواهند .

به این منظور است که مجله سخن پرسش‌نامه‌ای تهیه کرده و رای و نظر گروهی از نویسندگان را در این باب خواسته است . اینک متن سؤالها را درج می‌کنیم و پاسنها را به ترتیب الفبائی نام پاسخ دهندگان از نظر خوانندگان می‌گذرانیم :

### پرسش

- ۱- از نویسندگان داستانهای کوتاه چه توقع دارید ؟
- الف - آیا می‌خواهید واقعه‌ای عجیب و غیرعادی را برای شما شرح دهند ؟
- ب - آیا انتظار دارید احساس لطیف خاصی را برای شما بیان کنند ؟

ج - آیا لازم می‌دانید نتیجه‌ای اخلاقی یا اجتماعی از داستان گرفته شود ؟  
 ه - آیا منتظرید مشکلی علمی یا سیاسی یا تاریخی را برای شما حل کند ؟  
 و - آیا زیبایی بیان و بدیع بودن ساختمان داستان شرط اصلی ارزش آن است ؟  
 ز - آیا جز اینها نکته دیگری وجود دارد که به نظر شما شرط اساسی داستان  
 شعرده شود ؟

- ۲- زیباترین داستانهای کوتاهی که از نویسندگان خارجی خوانده‌اید کدام  
 است ؟ عنوان پنج داستان و نام نویسندگان آنها را بنویسید .  
 ۳- بهترین داستانهای کوتاه ایرانی که تا کنون خوانده‌اید کدام است و  
 نویسندگان آنها کیستند ؟  
 ۴- آیا به نظر شما فن نوشتن داستان کوتاه در ادبیات معاصر فارسی پیشرفتی  
 کرده و نمونه‌های ماندنی و قابل توجهی به وجود آورده است ؟



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی